

بغداد و بصره در قلمرو شهریارزند

مقدم

بخشی از دوره‌های تاریخی

و سیاسی و جغرافیائی عراق با

تاریخ ایران هم‌بستگی بسیار

داشته است و قرن‌ها است که

دولت و ملت ایران در آن دیار

از خود آثار بسیار بیادگار

گذاشته و نقش اساسی داشته‌و

دارد. از این مقالت مختصر با

بیانی موجز نقش دوره زندگی

را در بین‌النهرین مرور میکنیم

رفتار ناهنجار عراق با ایرانیان

عباس عزای‌مورخ مشهور

عراق به نقل از کتاب تحفة العالم

تألیف سید جزایری نوشته

است‌والی بغداد روش ناهنجاری

با مردم داشت. بخصوص با

زوار ایرانی و قزل‌باش آن دیار^۱

رفتاری ناصواب داشت و مال و

گنجینه‌های تاریخی و مطالعات فرهنگی
موسسه تخصصی علوم اسلامی چهاردهی
موسسه تخصصی علوم اسلامی

۱ - مراد ارتش ایران یا همه ایرانیان مقیم عراق بود

اموال بسیاری از ایشان را به یغما برده بود و در این غارت گری بهانه اش این بود که آنان و بازده شده اند و بهمین زودی خواهند مرد . او از این راه ثروت و سرمایه گروه بسیاری را تصرف کرد :

پیوسته بهانه جوئی میکرد و بسدروغ نشر میداد که ایرانیان اموال مردگان بدون وارث را تصرف کرده اند روز بروز بر جور و ستم کاری خود نسبت بایرانیان مقیم عراق می افزود تا آنجا که در اثر این اعمال و رفتار بسیاری از مردم شهر کاظمین را که بیشترشان ایرانی بودند بزندان افکند و آنان را به شکنجه و عذاب میکشید و دستور میداد تا با عصا و چماق برایشان کوبند و آزارشان کنند و یکی از چوب خوردگان در اثر چوب خوردن بسیار کشته شد ^۲ .

اعزام نماینده عالی دولت ایران بعراق

در تاریخ تحفة العالم ثبت است که :

خبر این کارهای ناهنجار و رفتار و کردار وحشت بار باطلاع کریم خان زند شهریار پا کدل ایران رسید و او را سخت متأثر و متألّم ساخت و فرمان داد که حیدرقلی خان امیرزنگنه برای دفع شرارت از عراق آماده شود چه حیدرقلی خان از دوران صفویه با عراقیها و عثمانیها آمیزش داشت و از امیران کاردان و مشهور بشمار میرفت ، بمناسبت سفرهایی که بکشورهای مختلف رفته بود و در اثر سیروسیاحت مردی پخته و تجربه آموخته بود . فضیلت و تقوی داشت و بدانش- های آن زمان آشنائی کامل داشت از آنها گذشته مردی متین و منطقی بود سخنوری چالاک و شمشیرزنی بی باک بود وی بفرمان شهریار زند اعزام بغداد شد . تا مسئولان عراق را از عواقب و خیم کارهایش آگاه کند و او را برسر عقل آورد پاشای بغداد او را بگمان خود باسخنان واهی و وعده و نویدهای توخالی دلخوش کرده روانه ایران کرد و باین ترتیب امیرزنگنه بدون توفیق در رسالت خود بایران بازگشت ^۳

۲- العراق بین اختلالین ص ۵۲ چاپ بغداد

۳- مختصر تاریخ البصرة بقلم علی ظریف اعظمی چاپ بغداد

جنگ ایران با عراق

پس از بازگشت امیرزنگنه وی نتیجه بودن مذاکره کریم خان زند که از رفتار پاشای عثمانی با ایرانیان بسیار آندوهناک و خشمگین بود دانست که حل مشکل با مدارا و مذاکره انجام پذیر نیست این بود که برادرش محمد صادق را با معاونت نظرعلی خان یکی از عموزادگانش بفرماندهی سپاه برای تصرف بصره برگزیده و رسماً مهیای جنگ با عراق گردید. نظرعلی خان در این سپاه دستور یافت که هرچه زودتر تدارک حمله و تصرف بصره را به بیند و در رهائی مردم آن سامان از جور و بیداد حاکم عراق همت و کوشش کند. ^۴

حوادث سال ۱۱۸۹ هـ ق - در آن تاریخ سلیمان آغا حاکم بصره بود و او بانهایت قدرت حکمرانی میکرد و توجهی بایرانیان آن دیار نداشت صادق خان بانروی زبده و مجهزی به بصره رسید و آنجا را بمحاصره کشید. محاصره بصره بدر ازا کشید. مشکل جنگی در این بود که از همه جهت بصره را محاصره کرده بودند. سلیمان آغا حاکم بصره نجات خود را در آن میدید که هرچه بیشتر مقاومت کند تا مدت محاصره را بطول بیانجامد. زیرا بانروی که داشت تاب مقاومت نداشت و امیدوار بود که با استقامت و پایداری او دولت عثمانی فرصت خواهد یافت که به کمک او بشتابد و برای نجات محاصره شدگان نیرو اعزام دارد. انتشار داد که از طرف دولت عثمانی نیروی امدادی بزرگی برای نجات محاصره شدگان اعزام شده و این نیرو تا فلان منطقه رسیده و بزودی ببصره خواهد رسید و همین امر سبب تقویت نیروی معنوی محاصره شدگان و لشکریان او شد و موجب پایداری گردید. لیکن این وعده گذشت و هفته ها به ثمر نرسید و روز بروز بروخامت حال و احوال محاصره شدگان افزوده گردید چون شیعیان عراق همه در اثر تعصبات خشک مذهبی عثمانی ها بجان آمده بودند و بمناسبت هم کیشی با ایرانیان بآنان بستگی داشتند نمیخواستند عثمانی ها بآنان حکومت کنند. و حکومت ایران را از جنبه مذهبی و حسن

۴- تاریخ الدول الفارسیة فی العراق بقلم اعظمی چاپ بغداد

۵- دلائل دیگری نیز برای لشکر کشی ایران به عراق در زمان زندیه وجود دارد که در یکی از شماره های آینده آنها را بتفصیل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. بررسی های تاریخی

سلوک برای خود بهتر از قدرت ترك‌های خشن عثمانی می‌دانستند. و از طرفی در اثر روابط بازرگانی نزدیک که با مردم خوزستان داشتند شایسته میدانستند که بصره در قلمرو حکومت ایران قرار گیرد.

سرانجام کاروایی بغداد: محاصره بصره و هیجان عمومی مردم عراق سبب گردید که گروهی از رجال دولت عثمانی بتدریج وارد بغداد شوند و بهمراه هریک از آنان چند هزار سرباز بود و با این ترتیب هفت تا هشت هزار سرباز در بغداد گرد آمدند و وزیر بغداد که حکومت عراق را داشت از ایران سخت بیمناک بود و با آمدن این تعداد سرباز روحیه اش تقویت شد.

و امیدوار گردید که بزودی بصره را از ایران پس خواهد گرفت غافل از اینکه آنچه پنداشته بود آرزویی بیش نبود زیرا این سربازان بنام استراحت با آسایش پرداختند و حکومت عراق بایشان تکلیف همی کرد که بمیدان کارزار رهسپار شوند و با ایرانیان به نبرد پردازند فرماندهانشان باین سخنان توجهی نمی‌کردند و اوامر او را نشنیده می‌گرفتند و هریک از ایشان خود را به بهانه‌ای از حرکت معذور میداشت آنان از سپاهیان ایران بیمناک بودند و نمی‌خواستند در میدان مبارزه روبرو شوند چندی نگذشت که خیر عزل والی بغداد از طرف دربار عثمانی منتشر شد و علت عزل او را سلوک نامطلوب با ایرانیان توجیه می‌کردند و باب‌عالی (دربار عثمانی) چنین پنداشته بود که باین عمل در آرام کردن مردم و طغیان عمومی توفیق خواهد یافت و آتش فتنه را در جنین خاموش خواهد ساخت. این اقدام دربار عثمانی بدان جهت بود که مأموران باب‌عالی پس از ورود به بغداد کارهای زشت او را گزارش داده بودند. و دربار عثمانی دریافت که وزیر بغداد گزارشهای دروغ و بی‌اساس و برخلاف واقع می‌فرستاده و مرتکب کارهای زشت و ناپسندی شده است. دربار عثمانی پس از اطلاع از رفتار و کردار پاشای بغداد عنوان مطلب کرده بود که اختلاف ایران با عثمانی در واقع اختلاف با والی بغداد بوده نه اختلاف ایران و عثمانی و بدیهی است پس از عزل او دیگر موجبی برای اختلاف و ستیزه باقی نمی‌ماند و ایران و عراق (عثمانی) میتوانند با مذاکره برفع اختلافات به پردازند

اعمال و رفتار پاشای بغداد چنان عشا یرو کردها را برانگیخته بود که دولت عثمانی را این نارضایتی و خشم عمومی سخت پشیمان ساخته بود . چون والی بغداد حسن سیاست و تدبیر نداشت دولت عثمانی هم از وی نراضی بود و میخواست از اوضاع و احوال آشفته عراق بهره برداری کند.^۶

چگونه حوادث سال ۱۱۹۰ در بغداد اتفاق افتاد .

دولت عثمانی استانداران موصل . دیاربکر . حلب . شام را بالشگریان و فرماندهان بسوی بغداد گسیل داشت . و بآنان آموزش داده شده بود که پس از ورود به بغداد چه کنند و چگونه عمل نمایند . بنابراین والیان و وزیران پس از ورود به بغداد چنان نشان دادند که برای همراهی و کمک آمده اند لیکن پس از استقرار در بغداد و تسلط بر اوضاع والی بغداد را دستگیر و برای جلب رضایت ایرانیان او را زندانی کردند .

اعزام نمایندگان صلح عراق بدربار ایران - پس از زندانی کردن والی بغداد يك هیئت رسمی بسوی شیراز روانه گردید تا با کریم خان زند درباره صلح و ترک جنگ مذاکره کنند این هیئت کوشش داشت تا کریم خان زند را متقاعد سازد که واقعاً حسن نیت دارند و مایلند که مسائل و مطالب اختلافی از راه مذاکره و دوستانه حل و فصل شود و جنگ و جدال و کشت و کشتار از بین برود همچنین وانمود کنند که آنچه اتفاق افتاده نتیجه سوء رفتار و تدبیر والی بغداد بوده است نه سیاست دولت عثمانی . لیکن شهریار با تدبیر زند که از اختلاف دولت عثمانی اطلاع یافته بود و موقعیت را حساس و مناسب میدانست بفرستادگان پاسخ صریح و روشن نداد و کوشید تا آنرا بمذاکره سرگرم دارد و از این موقعیت استفاده کرده و بقوای اعزامی به بصره دستور داد تا با فشار هر چه زودتر بیشتر در تصرف بصره پافشاری کنند و در نتیجه این اقدام بزودی بصره بدون قید و شرط در برابر نیروی ایران تسلیم گردید بنوشته مورخان در مدت محاصره چنان وضع بر محاصره شدگان تنگ شده بود که فقیر و غنی به سختی

۶- دوحه الوزراء ص ۱۶۷ بمقتل از تاریخ استاد عباس عزوی «العراق بین احتلالین» چاپ بغداد

افتاده بودند و مردم گوشت سگ و گربه می‌خورند تسلیم بصره در ۱۱۹۰
اتفاق افتاد.

حوادث ۵۱۱۹۰ هـ. و کشته شدن عمر پاشا والی بغداد.

گزارش علی پاشا والی طرابوزان که بنام «تاریخ جدید» یا «یادگار تاریخ»
در حوادث تاریخ ۱۳ شوال ۱۱۹۰ نوشته است که دولت عثمانی
حسن تدبیرش در آن عصر اندک بود. شاهد این مدعا وقایع بغداد است که
در اثر عدم تدبیر اختلاف مابین ایران و عراق اتفاق افتاد. کریم خان زند که
بمخالفت با حکومت عراق برخاست در واقع این مخالفت در اثر اعمال بیرویه
عمر پاشا والی بغداد با ایران بود هر گاه مخالفت‌های دستگاه حکومت عراق
نبود دولت ایران کاری بآن سامان نداشت و هرگز اختلافی پدید نمی‌آمد.
عمال دولت عثمانی ماجرای بصره و بغداد را بدر بار عثمانی گزارش دادند که
با وقایع پیش آمده دیگر نمیتوانند آنجا را اداره کنند بهمین علت عبدی پاشا
آل سرخوش والی بغداد و بصره شد و مصطفی پاشا بر کنار رفت و مدت هشت ماه
حاکم آن دیار بود و در این زمان بود که بصره بدست ایرانیان افتاد.

عبدی پاشا پس از مصطفی پاشا والی بغداد و بصره شد. اختلاف داخلی و
کدورت و نفاق میان سران دولت عثمانی باندازه‌ای بود که نتوانستند امنیت
و آرامش را برقرار سازند از طرف دیگر دولت عثمانی وسیله‌ای بدست آورد
که بتواند با تشبث بآن اختلافات حاصله را از میان بردارد. چنانکه اشارت
شد گروهی از وزیران را بسوی بغداد فرستاد. در آغاز کار هدف عثمانی‌ها از
اعزام وزیران جنگ با ایران بود لیکن وزیران تازه وارد به بغداد پس از
غور و بررسی اوضاع دریافتند که عامل فتنه و فساد عمر پاشا والی بغداد است
و چون او را عامل اختلاف ایران و عراق میدانستند وی را کنار گذاشتند و سپس
او را کشتند تا شاید بدین طریق رضایت دولت ایران را بدست آورند لیکن این
پیش آمد سبب ناگواری اوضاع داخلی عراق گردید و عراق در آن زمان در آتش
اختلاف داخلی دست و پامیزد. ایران از سوی بصره و کردها از سوی دیگر در
امور عراق دخالت میکردند.

وزیران دربار عثمانی که به بغداد شتافته بودند چون نتوانستند سر و سامانی باوضع آشفته آن دیار بدهند نظر دادند که عبدالله کهبه تنها وزیر عثمانی است که میتواند باوضع عراق آرامش دهد. خاصه اینکه او باسلامبول رفته و درخواست داشت که امور عراق را بوی سپارند.^۷

اختلاف مابین رجال عثمانی در عراق .

بغداد از کمک به بصره کوتاهی میکرده ثروت و هدیه‌های بسیار بهمراه فرماندهان سپاه از اسلامبول به بغداد میرسید از دولت عثمانی دستور میدادند که سربازان را تجهیز کنند ولی رجال عثمانی به طمع پول و مقام سرگرم کار خودشان بودند از کار بصره بازماندند. مابین بزرگان عثمانی اختلاف شدید پدید آمد از استان منتفک سپاهی برای بصره فرستادند. چون سربازان رشید ایرانی مقاومت کردند جنگ و محاصره طول کشید اعراب و عثمانی‌ها ناچار عقب نشینی کردند و تقریباً بصره را بایران و ایرانی‌ها وا گذاشتند در اثر گزارشهایی که بنام «تاریخ جدید»^۸ بدربار عثمانی فرستاده شده بود پادشاه عثمانی (سلطان عبدالحمید اول) دستور داد که سربازان ایران را از بصره بیرون کنند. آنها کوشش داشتند که کار بصره را یکسره سازند امیران بغداد و شهرزور را تشویق کردند که هر چه زودتر کار سپاهیان ایران را پایان رسانند و حکومت عثمانی را در عراق دوباره زنده و برقرار سازند این دستورها در تاریخ ۱۱ شوال ۱۱۹۰ هـ. و ۱۷ ذی القعدة ۱۱۹۰ هـ. از دربار اسلامبول صادر شد لیکن نتیجه‌ای از آن بدست نیاوردند و اوضاع و احوال بروفق مرام و بکام ایرانیان و سپاهیان آن بود.

۷- دوشنخه از گزارش علی پاشا در کتابخانه استاد عباس عزوی مورخ مشهور عراقی در بغداد موجود است نسخه اول بخط فرزند مؤلف عبدالسلام حافظ بتاریخ ۱۱۹۱ هـ. و نسخه دیگر بخط محمد اوصفی خطاط معروف در ۱۲۲۶ هـ. نوشته شده است.

۸- گزارش علی پاشا حاکم طرابوزان بنظر مورخان عراقی و عثمانی دقیق ترین اطلاعاتی بوده که پادشاه عثمانی به آن ترتیب اثر میداد. تاریخ العراق بین احتلالین چاپ بغداد.

نبرد در مرز کردستان دولت عثمانی برای اینکه نیروی ایران را در بصره ناتوان کند و وجهه دیگر در مرز غربی ایران بوجود آورد و در حدود هزار سرباز عثمانی از راه کرمانشاهان و پل ذهاب بسوی مرز ایران پیش آمدند. همچنین در مرزهای سندج نیروهای دیگری بداخل ایران سرازیر شده شهریارزند دوازده هزار سرباز بفرماندهی خسروخان بسوی کارزار فرستاد. زدو خورد شدید میان متخاصمین در گرفت و در این هنگام کریم خان زند دوازده هزار سرباز دیگر بفرماندهی کلب علی خان بسوی دیار بکر اعزام داشت.

این نیروی اعزامی توانست با قدرت و مهارت از پیشرفت نیروهای عثمانی جلوگیری کند و چون عثمانی‌ها از این تجاوز نتیجه‌ای نگرفتند. دانستند که مسترد داشتن بصره کار سهل و ساده‌ای نیست این کارها یعنی عزل و نصب وزیران و الیان. اعزام نیروی عشایری. تجهیز سپاهی جزریان برای دولت عثمانی ثمری نداشت. صدها سرباز و مردم غیر نظامی در اثر این جنگ‌ها و اختلاف‌ها پایمال حوادث شدند و از اعمال و افعال ناپسند خود جز تلخی و ناکامی نتیجه‌ای نگرفتند این بود که سران دولت عثمانی در بی فرصت مناسب نشستند و از ستیز پرهیز کردند.^۹

سربازان بسوی بصره: شهریارزند بصادق خان زند دستور داد که بسوی بصره حرکت کند و از راه ساحل خلیج فارس نیز پنجاه هزار سرباز جنگجو بوسیله سی فروند کشتی از بوشهر و بندر ریگ به همراه سپاهیان بصره بحرکت درآمد. در آغاز حمله سپاهیان زمینی و دریائی ایران موفق شدند که شط العرب را بتصرف در آورند و باین ترتیب شط العرب بتصرف ایران درآمد. دولت عثمانی در برابر تعدادی کشتی‌های کهنه و فرسوده که در بصره داشت مهیای کارزار کرد و بدیهی است این قوای کهنه و فرسوده نمیتوانست در برابر نیروی جنگی ایران

۹- مجموعه خطی اسناد و مدارک که مشتمل است بر گزارش‌ها و دستورات بر بان ترکی که در کتابخانه استاد عباس عزای در بغداد محفوظ است «تاریخ العراق بین احتلالین جلد ششم بصفحه ۱۳۷۳ ۸ ۲۱۹۵۴»

مقاومت و پایداری کند و توانائی آن را نداشت که در برابر کشتی‌های نیرومند صادق‌خان عرض اندام نماید.

بمجرد اینکه سپاهیان ایران بر شرط العرب تسلط یافتند پلها بر نهر و رودخانه‌ها قراردادند و سربازان هوشمند از سوی راست نهرها از جسرها و پلها گذشتند و حصار بصره را برانداختند. باید توجه داشت که شهر بصره در آن زمان شهری بزرگ بود باغها و سراهای بسیار داشت و جمعیت آن در حدود پنجاه هزار نفر تخمین زده بوده‌اند بزرگان شهر که از طرفداران عثمانی‌ها بودند بیش از یک چهارم از جمعیت آن شهر را تشکیل نمیدادند، سلیمان آغا حاکم بصره مردی نظامی و هنرمند بود او نزد سربازان و لشکریانش محبوبیت داشت، دیوارهای شهر بصره بلند و عالی بود لیکن محکم و استوار نبودند، خط دفاعی این سنگرها در حدود صدسنگر بشمار میرفت. در زمستان ۱۱۸۹ بود که سربازان ایران حصار بصره را درهم شکستند و یاعلی گویان بسوی شهر شتافتند.

سقوط بصره: مردم بصره و نیروی ساخلوی عثمانی نتوانستند در برابر سپاه ایران مقاومت کنند مدت چهار ماه چه از راه دریا و چه از راه خشکی در محاصره بودند و بیش از این تاب تحمل و پایداری نداشتند عمر پاشا والی بغداد مردم را بصبر و مقاومت تشویق و تهییج میکرد، نویدها میداد و میگفت که ایرانیان از در صلح وارد میشوند و با درسیافت پول مجدداً شهر بصره را بدولت عثمانی واگذار خواهند کرد البته این انتشارات برای آن بود که روحیه طرفداران نیروی ایران را است کند؛ این نویدها کاری از پیش نبرد زیرا هیچگونه کمکی از بغداد نرسید و چون بزرگان بصره از حکومت بغداد ناامید شدند پس از مشورت بایکدیگر صلاح کار را در آن دیدند که تسلیم دولت ایران شوند و پیش از اینکه همگان از یای در آیند دست از مقاومت بردارند و این شد که برای صادق خان زند پیام تسلیم فرستادند و خود را برای تسلیم بدون قید و شرط آماده کردند.

سید نعمت‌اله جزایری واسطه صلح شد: نویسنده کتاب تحفة العالم در باره

حادثه سقوط بصره نوشته است که چون دولت عثمانی در فشار قرار گرفت ناچار سید نعمت‌اله جزایری را واسطه قرار داد تا ترتیب صلح را فراهم سازد سید نعمت‌اله بنزد صادق خان زند رفت و تقاضای صلح کرد، امان نامه‌هایی از صادق خان زند گرفت که سپاه ایران هنگام ورود به بصره دست تعدی و چپاول بنا موس و اموال مردم دراز نکنند و بکسی آزار نرسانند، پس از برقراری تأمین و امان مردم شهر سپاه قزلباش «علی علی، گویان وارد شهر بصره شدند و با دیدن نظم و آرامش سپاهیان ایران اهالی نفس راحتی کشیدند و از فشار گرسنگی نیز آسوده شدند»^{۱۰}

حکومت ایران در بصره: در اواخر صفر سال ۱۱۹۰ ه. ق صادق خان زند با سپاه ایران وارد بصره شد گروهی از بزرگان آن دیار را که مخالفت میکردند دستگیر ساخت و تمام ثروت آشکار و پنهان آنان را بتصرف درآورد و خودشان را بسوی شیراز فرستاد!

صادق زند محمد خان را حاکم بصره کرد و ده هزار سرباز در آنجا گذاشت و باقیه سپاه و غنائم و اموال بسیار بشیراز بازگشت.

ضرب مسکوک بنام دوازده امام: پس از تصرف بصره از مناره‌های مساجد نام شاه مردان علی مرتضی که شعار و اذان شیعیان است چون آوائی آسمانی باردیگر فضای شهر را فرا گرفت و همچنین سکه‌ها بنام دوازده امام مذهب جعفری زده شده بعنوان غرامت جنگ زروسیم از ثروتمندان و اعیان شهر گرفتند و همه را بسوی شیراز پایتخت ایران فرستادند.

اختلاف عثمانی با ایران: نویسنده کتاب تحفة العالم نوشته است که: پس از سقوط بصره برادرم سید نعمت‌اله جزایری قصد داشت برای زیارت به نجف و کربلا رهسپار شود سپاهیان قزلباش همه جا را فرا گرفته بودند، کار بغداد هم مجهول بود، سرداران ایران اجازه نمیدادند که در محیط آشفته

۱۰- تاریخ الدولة الفارسیه فی العراق بقلم اعظمی و کتاب مختصر تاریخ البصره بقلم

علی ظریف اعظمی چاپ بغداد ۱۹۳۳

عراق مردم بزیارت بروند تامبادا بایشان آزاری رسد^{۱۱} چون عثمانیان اختلاف مابین ایران و اعراب را دامن میزدند و ریشه اختلاف و عرب از عثمانی هابود ؛

خراب کردن گوریکی از بزرگان سنت و جماعت : سید جزایری در کتاب تحفة العالم نوشته است : از جمله اختلافی که عثمانیان برای ایرانیان و اعراب قصد داشتند که فراهم آورند این بوده که سردار رشید و پاکدل ایران را تبلیغ و تهییج می کردند که آرامگاه زبیر را که از عشره مبشره بود^{۱۲} خراب کند در حالیکه آن بقعه و بارگاه که زیارتگاه سنت و جماعت بود در چهار فرسنگی بصره قرار داشت. سید جزایری میگوید پس از شنیدن قصد خرابی گور زبیر سردار ایرانی را از عواقب سوء اینکار آگاه کردم او اولاً از یادآوری من شادگشت و از اینکار ناپسند در گذشت و جبران کرد^{۱۳}

اسیران بصره بشیر از اعزام شدند : چنانکه گفتیم حاکم بصره سلیمان آغا را با اطرافیانش بسوی شیراز فرستاد با آنکه آنان اسیر بودند معذک ایرانیان با آنان با نهایت احترام رفتار کردند، صادق خان بهترین سلوک را با مردم بصره مرعی میداشت بزرگواری و بخششها میکرد، مولف تحفة العالم مینویسد که سید نعمت اله^{۱۴} جزایری از بصره بمن نوشت که با اسیران خوش رفتاری کنیم. در آن زمان من در شوشتر بودم، سلیمان آغا حاکم بصره در زمان

۱۱- آنچه از کتاب تحفة العالم نقل شده. بنقل از کتاب «العراق بین احتلالین» تألیف عباس عزوی چاپ بغداد است.

۱۲- یکی از آن ده نفری بود که حضرت محمد (ص) نوید بهشت بایشان داد.

۱۳- تاریخ العراق بین احتلالین تألیف عباس عزوی جلد ۶ چاپ بغداد ۱۹۵۵-۱۹۵۳

۱۴- سید نعمت اله جزایری دانشمند و مولف مشهور شرح احوال و آثارش در بیشتر کتابها ثبت است نگاه کنید بتاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون ترجمه رشید یاسمی جلد ۴ چاپ تهران.

عثمانی‌ها و بعضی از نزدیکان او را بخانه خود دعوت کردم. از ایشان پذیرائی و دلجوئی نمودم حاکم معزول و اسیر را مردی با تصمیم و متین یافتم پس از چندی بشیراز رهسپار شدند.

اسیران عراقی و عثمانی در شیراز : اسیران عراقی و عثمانی که بشیراز گسیل شدند بدیدار شه‌ریار ایران کریمخان زند نائل آمدند و آن پادشاه عادل با ایشان بانهایت مهربانی و احترام رفتار کرد. این اسرا در تمام مدت اقامت در شیراز مورد دلجوئی و محبت بزرگان زندیه و ایرانیان بودند.^{۱۵}

تبعید حاکم بصره بشیراز : سلیمان آغا حاکم سابق بصره در شیراز تحت نظر بود چون مردی دانا بود با ایرانیان مانوس گردید و مورد توجه زکیخان پسر عموی کریمخان زند قرار گرفت، هنگامیکه صادقخان زند بصره را ترک گفت، زکیخان میخواست که سلیمانخان را حاکم بصره کند.^{۱۶} گروهی تاهویزه (شادکان) فرستاد ولی موفق نشد؛ پس از وفات کریمخان زند سلیمان آغا بعراق بازگشت و از طرف دولت عثمانی بمنصب وزارت در بغداد منصوب گردید.^{۱۷}

سربازان ایران بسوی عتبات : شه‌ریار زند سپاهی نیرومند از سربازان رشید ایرانی بسیج کرد و فرماندهی آنرا ببرادرش صادقخان زند سپرد و برای آنکه نشان دهد نیروی نظامی ایران در بصره قدرت و توانائی دفع هرگونه تهاجم را دارد دستور داد که حصار بصره را ویران کردند مبارزه با عثمانیها و تصرف بصره حس غرور ملی را در ایرانیان برانگیخته بود و موجب وحدت

۱۵- تاریخ العراق بین احتلالین تألیف عباس عزوی جلد ۶ چاپ بغداد .

۱۶- تاریخ العراق بین احتلالین جلد ۶ چاپ بغداد .

۱۷- تاریخ العراق بین احتلالین تألیف عباس عزوی جلد ۶ چاپ بغداد .

بیشتر ایرانیان گردید. توجه همه مردم ایران با اقدامات و عملیات قهرمانی قهرمان زند معطوف گردید و آتش شوق و اشتیاق ایرانیان را برای دست‌یابی و تصرف شهرهای مقدس شیعی دامن‌میزد^{۱۸}

هدف کریمخان زند تصرف عراق بود: بمناسبت وجود شهرهای مقدس شیعی در عراق که قرن‌ها تحت تصرف و نظارت ایرانیان تقریباً اداره میشد کریمخان زند نیز موقع را برای تصرف این شهرها مناسب دید و بدین منظور تصرف و تسلط بر بصره را بهترین وسیله انجام این مقصود و طرح دانست. عملیات و اقدامات عمر پاشا والی بغداد بهترین دست آویز نیل بدین هدف عالی بود. کریمخان زند با بدست آوردن این بهانه و اینکه عمر پاشا از زوار ایرانی مالیات و باج بزور میگرفت نخست از راه شکایت به باب علی (دربار عثمانی) باب افتتاح عملیات را گشود، عمر پاشا چنانکه گفتیم توجهی بمذاکرات و شکایات دولت ایران نکرد و دربار عثمانی نیز اعتراضات ایران را وارد ندانست و در نتیجه دست کریمخان زند برای آغاز اجرای طرح عملیات جنگی باز شد و چنانکه اشارت شد سربازان دلیر ایران بفرمان پیشوای جنگاور خود بصره را بتصرف درآوردند^{۱۹}

سربازان ایران بسوی استان متفک: پس از فتح بصره توجه همه شیعیان ایران و عراق با اقدامات شهریار زند معطوف گردید و همگی آرزو داشتند که سربازان ایرانی بسوی شهرهای دیگر عراق پیشروی کنند و کربلا و نجف و کاظمین و سامرا را نیز از تسلط دولت عثمانی خارج سازند، صادق خان زند پس از تصرف بصره علیمحمدخان را بحکومت آنجا گماشت. علیمحمد

۱۸- تاریخ دول الشیمة - تألیف محمد حسین مظفر چاپ نجف .

۱۹- دائرة المعارف الاسلامیة که بزبان‌های آلمانی و انگلیسی و فرانسه تألیف شده

بعبربی هم ترجمه شده است جلد سوم چاپ مصر ،

خلاصه تاریخ العراق تألیف انستاس کرملی چاپ بصره ۱۹۱۹ م - ۱۳۳۷ هـ .

خان یکسال حاکم بصره بود. صادق خان در ۱۱۹۲ هـ. تصمیم گرفت که شهر های استان منتفک را در قلمرو حکومت خود در آورد و بفرماندهی برادرش محمد علیخان سپاهی بسوی آن دیار فرستاد ولی موفق نشد.

حوادث ۱۱۹۳ : در سال ۱۱۹۳ باردیگر سربازان تازه نفس ایران به - فرماندهی محمد علیخان و برادر دیگرش مهدیخان و شیخ سلیمان رئیس عشیره بنی کعب و سایر عشایر عرب بهمراهی رؤسای خود بهمراه ده هزار سرباز بسوی استان منتفک پیشروی کردند مردم آن دیار چون سپاه ایران را دیدند درخواست صلح کردند شرایط صلحی که ایرانیان پیشنهاد کرده بودند مورد قبول عربها نشده و دوباره جنگ آغاز شد در این میانه وقایعی در بصره اتفاق افتاد و آن این بود که در خلال این اوضاع واحوال مابین دو عشیره بزرگ اختلافاتی رخ داد، علیمحمدخان بدون توجه و تدبیر در این اختلافات مداخله کرد و در نتیجه خسارت بسیار در این فتنه و فساد بوی رسید و در واقع او قربانی این اختلاف گشت.

هنگامیکه شهریار زند شنید که ایرانیان در جنگ موفق نشدند و اختلافات داخلی در عربها دامنہ پیدا میکند صادق خان را بهمراه سپاه بسیار رهسپار بصره کرد تا استان منتفک را مانند بصره ضمیمه قلمرو حکومت ایران کند، صادق خان بسوی بصره رهسپار شد و با حسن تدبیر و سیاست و کیاست صلح و آرامش را در آنجا برقرار کرد و این امنیت تا مرگ شهریار زند دوام داشت و همه مردم بزندگان آرام و داد و ستد خود با صلح و صفا بسر میبردند استان بصره در حدود سه سال در دست ایران بود تا سال ۱۱۹۳ هـ ق ۲۰

۲۰- دانشمند روحانی الاب اسحق ساکانوشته است که : بعضی گمان میکنند که بصره را خلیفه دوم مسلمانان (عمر) در قرن هفتم میلادی بنا نهاد و پیش از آن نبوده است. برای ←

در گذشت کریمخان زند : در این هنگام کریمخان زند در ۱۱۹۳ هـ . در شیراز وفات کرد و صادق خان در سرهوی سلطنت میسروراند و باین نیت بصره را ترك گفت. قضا را ز کیخان هم حکومت را در ایران دست گرفته بود و صادق خان هم با همراهان خود شبانه بسوی ایران بازگشت . پس از مدت سه سال که بصره در قلمرو حکومت ایران بود بار دیگر عثمانی ها آنجا را متصرف شدند و والی بغداد با آسانی آن دیار را در قلمرو حکومت خود قرار دادند ، سید نعمت الله جزایری که در تصرف بصره بدست ایرانیان نقش مهمی داشت صلاح کار خود را در این دید که آن دیار را ترك گفته و بسوی بوشهر رهسپار گردد^{۲۱}

حسن سلوك ایران با عراق : محمد امین زکی از مورخان مشهور عالم عرب و اسلام در کتاب «تاریخ الدول والامارات الكردیه فی العهد الاسلامی»^{۲۲} نوشته است که : صادق خان زند در زمان برادرش شهریار زند بفضائل آراسته بود .

او بعدل و داد و حسن سلوك در تمام ایران مشهور بود خصوصاً پس از

روشن شدن حقیقت و واقع در بیان تاریخ صحیح گوئیم . بصره قرنهای پیش از آن زمان آبادان بود و آنسامان را میشان میگفتند ، مردمش گوناگون بودند ، بعضی فرات میشان . برات میشان . کردخادیشان میگفتند . یونانیان آنجا را خارك یا جارك مینامیدند ، اعراب آن دیار را دشت میشان و میسان مینامیدند «البصره فی التاریخ» مجله العربی از انتشارات وزارت ارشاد کویت شماره ۱۲۷

۲۱- تاریخ العراق بین احتلالین تألیف عباس مزای جلد ۶ چاپ بغداد

تاریخ دول الشیمة تألیف محمد حسین مظفر چاپ نجف

۲۲- محمد امین زکی کتاب خود را بنام (خلاصة التاریخ الكرود كرستان بزبان کردی تألیف نموده و در ۱۹۳۷ میلادی از وزیران عراق بوده و محمد علی عونی کتاب را عبری ترجمه کرد و در دو جلد در ۱۳۶۴ هـ در مصر چاپ شد این کتاب از نفیس ترین کتابهای تاریخی درباره ایران و عراق بشمار میرود .

فتح بصره و منضم ساختن آن به شاهنشاهی ایران محبوبیت او بیشتر افزوده گشت، متأسفانه پس از مرگ کریم خان مرتکب کارهایی برخلاف تدبیر شد و بخصوص آنکه با افراد خاندان زند حسن سلوک و مماشات نداشت و نتوانست نقش رهبری دودمان زند را با جلب اعتماد آنان ایفاء کند این بود که خاندان زندیه نتوانستند بحکومت خود در ایران و عراق ادامه دهند؛



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی